

## پیش بینی اشغال افغانستان از سوی شوروی: سند اجتماع استخباراتی

یا

(داستان کودتاها در افغانستان: از کودتای 26 سرطان تا کودتای ثورو کودتاهای بعدی...)

قسمت- 4

برگردان: خلیل

یاد دهانی: همه عکس ها جنبه تزئینی داشته و مربوط به اصل سند نیستند!

### شورش قبایل



سرآغاز دخالت شوروی در افغانستان با سفر بولگائین و خروسچف به کابل- صحنه ملاقات شاه با مهمانان شوروی.

تا این دم، مساعی ح.د.خ.ا. برای تحمیل یک انقلاب سوسیالیستی در سرتاسر کشور با عکس العمل خشونت آمیزی مواجه شده بود. بعضی دانشمندان خاطر نشان می کردند که اهداف اعلان شده ی رژیم راجع به برانداختن نابرابری ها و اقدامات سرکوبگرانه ی فیودالیسم قبیلوی افغانستان موجه بودند. برنامه انقلاب رژیم خواهان بازتوزیع املاک انحصاری، محو بیگاری دهقانان، اصلاح حقوق ازدوواج زنان، و الغای عرف و عادات کهنه ای بودند که رهبران قبیلوی و ملاها را در جایگاه های شان حفظ میکردند. اما این اقدامات باشیوه دیکتاتوری تحمیل شدند، و (بالاخر) مقاومت ناگزیر زمین سالاران فیودال و کلانهای های قبایل، و ملاها با دستگیری ها و دادرسی های (واکتر آ هیچ) سرسری و بی رویه پاسخ داده شد. تعداد زیادی ملاها شامل دستگیر شده گان بوده و تعداد زیاد دیگرشان از جایگاه های شان اخراج گردیدند. ادارات ولایتی در خیلی از نقاط کشور در تحت کنترل مرکزی حزب کمونیست قرار داده شده بودند.<sup>41</sup>



یکی از اجلاس های پیمان سنتو

مخالفت‌های مسلحانه بروز نمود. در نوامبر 1978، استخبارات ایالات متحد گزارش کرد که جنگ و منازعه در ولایات فزونی می یافتند و اینکه به نظر میرسد شورشیان کنترل بخش های کلان شمال و شرق افغانستان را بدست گرفته باشند. طبق گزارشات یا شایعات شورشیان تسلیحات و کمک از سازمانهای گوربلا های قوم پشتون بدست می آوردند که در پاکستان فعالیت داشتند. استخبارات گزارش میدادند که وفاداری در حال زوال ارتش وقتی علنی شد که فرمانده ارتش افغان در جنوب شرق افغانستان، بخاطر حمایت از شورشیان دستگیر گردید. طبق گزارشات مشاورین نظامی شوروی در آن واحد های ارتش افغان مؤظف می شدند که مستقیماً با شورشیان درگیر نبرد بودند. تحلیل گران استخباراتی ایالات متحده باخبر شدند که یکی از مشاورین نظامی شوروی نتیجه گیری کرد که شاید به یک حضور مشاوریت نظامی کلان شوروی برای چندین سال (در افغانستان) نیاز باشد.<sup>42</sup>



مرحوم داوود خان سوار بر اسب مرادشاید در زمان تصدی اش در قوای مرکز

تصویر اردوی افغانستان سال 1965 میلادی .

اوایل دسمبر، تره کی و امین برای آنچه که تحلیل گران ایالات متحده آن را یک ماموریت برای بدست آوردن کمک افزایش یابنده برای نبرد با شورشگری تعبیر کردند، به مسکو پرواز نمودند. به تاریخ 5 دسمبر، هر دو حکومت یک پیمان بیست ساله را راجع به " همکاری و دوستی" به امضا رسانیدند. ارزیابی های استخباراتی خاطر نشان می سازند که این پیمان شامل هیچ تعهد صریح دفاع متقابل نبوده و حاوی یک فقره ای در اشاره به غیر متعهد بودن افغانستان بود. اما پیمان شامل یک فقره ای بود که بر طبق آن هر دو حکومت به همکاری نظامی ادامه داده و "باهمدیگرمشوره کرده و اقدامات لازم را برای تأمین امنیت، استقلال، و تمامیت ارضی" هر دو دولت روی دست می گیرند. طوریکه استخبارات خاطر نشان می ساختند، حکومت افغان می توانست برای درخواست کمک نظامی از اتحاد جماهیر شوروی به این قید متوسل شود.<sup>43</sup>



نمایی از مرکز شهر کابل در آن سالها

پیمان 5-ام دسمبر سرآغاز یک چرخشی را در پالیسی ایالات متحده برجسته کرد. سائرس وانس وزیر خارجه پیشین در آن زمان گفته بود که واشنگتن به این پیمان" به حیث عکس العمل شوروی در برابر این حقیقت که اقتدار کابل در بیرون از شهر های عمده سقوط کرده است" می بیند. گزارش شده که بریژنسکی مشاور امنیت ملی پیشین ضمن یک مصاحبه در بعد از ترک دفتر گفته بوده که درحالیکه ایالات متحده به تبعیت اکیدش از دستور بازدارنده رئیس جمهوری کارتر علیه کمک مستقیم ایالات متحده و استفاده از تسلیحات ایالات متحده برای حمایت از شورشیان افغان ادامه میداد، سی. آی. ای. با حکومت پاکستان راجع به حمایتش از نیروهای اپوزیسیون مشورت(رایزنی) کرده بود. با اینکه، درعین زمان، ظاهراً برای بازتاب هر دو منظور امید واری های پیشکش بدیل ها برای امین و مساعی او برای فرونشاندن نگرانی های ایالات متحده، واشنگتن موافقه کرد تا یک برنامه کوچکی برای آموزش افسران نظامی افغان در ایالات متحده را از سر بگیرد که در بعد از کودتای اپریل قطع شده بود.<sup>44</sup>



ارگ کابل در سال 1358

در نیمه- جنوری 1979، یک نیروی گوریلائی متشکل از مهاجرین افغان در پاکستان شبیخونی را بر یک مرکز ولایتی- اسد آباد- در نزدیکی های سرحدات شمال شرقی افغانستان، انجام داده و پادگان نظامی آن جا را تصرف نمودند. با آنکه گوریلاها سرانجام بیرون رانده شدند، اما قادر گردیدند پادگان را به مدت کوتاهی در دست بگیرند، بخاطری که فرمانده افغان قبلاً بطور مخفیانه به شورشیان پیوسته بود. درعین همان ماه، استخبارات ایالات متحده گزارش کرد که یک هیئات نظامی عالیرتبه شوروی برای بحث روی کمک بیشتر نظامی به کابل رسید. تا به این زمان، از روی معلومات ارایه شده از سوی استخبارات ایالات متحده، تعداد مشاورین نظامی(شوروی) تا به حد 1000 تن بلند رفته بود، علاوه بر 2000 تن دیگر مشاورین سیاسی و اقتصادی موجود در کشور.



صحنه هائی از حشر و نشر رهبران جهادی با پاکستانی هاو شیوخ عرب

به تاریخ 14 فیروزی، ادلف دیزسفر ایالات متحده در جاده های کابل توسط یک سلول افراطی ضد- حکومتی افغان اختطاف گردید. گروگان گیران پیشنهاد کردند اورا با آزاد سازی رهبر محبوس شده شان از سوی رژیم افغان معاوضه نمایند. رژیم، علیرغم مطالبات سفارت ایالات متحده، معامله با گروگان گیران را رد نمود. دیز پس از اندک ساعاتی بعد از گروگان گیری وقتی کشته شد که پولیس افغان اتاقی را در هتل مورد هجوم قرارداد که تروریستهاو را در آن نگهداشته بودند. مطابق گزارشات استخباراتی، مشاورین شوروی دیده شده بودند که نیروهای افغان را در این یورش همراهی می کردند. به نظر بعضی مقامات عالیرتبه واشنگتن، خود داری رهبران افغان از قبولی مسئولیت یا معذرت خواهی بخاطر این عمل منعکس کننده گرایش ضد- امریکائی، و شوروی- وابستگی شان بود. یک هفته بعد، حکومت کارتر کمک اقتصادی از قبل ناچیزش را قطع نموده و نیز پلانش را مبنی بر آموزش تعداد کوچک افسران نظامی افغان را باطل کرد.<sup>46</sup> این حقیقت که کشتن سفیر یک ماه بعد از خلع ید شاه ایران در یک (فرایند) تصرف قدرت توسط یک رژیم بنیاد گرای اسلامی رخداد شاید در عکس العمل ایالات متحده بی تأثیر نبود.

## منازعه بالا می گیرد

در نیمه های مارچ، بروز قیامی در هرات- این شهر عمده در شمال غرب افغانستان- واضحاً نشان داد که شورشیان به مرحله جدیدی (توانمندی) رسیده اند. جنگ در هرات بیش از یک هفته دوام کرده، در طی بیشتر اوقات این مدت ارتباطات شهر با بقیه کشور قطع بود. قطعاتی از ارتش افغان مستقر در هرات به سوی شورشیان تغییر جهت داده، و قسمتهای قابل ملاحظه ای دیگر عساکر داخل شدن در جنگ را رد نمودند. ترمرد بلاخره بعد از انتقال سایر نیروهای افغان از کابل سرکوب شد. گزارشات استخباراتی حاکی از آن بودند که مشاورین شوروی برای حمله توظیف شده، و تا به 20 تن شان در کنار **صدها افغان** کشته شدند.<sup>47</sup>

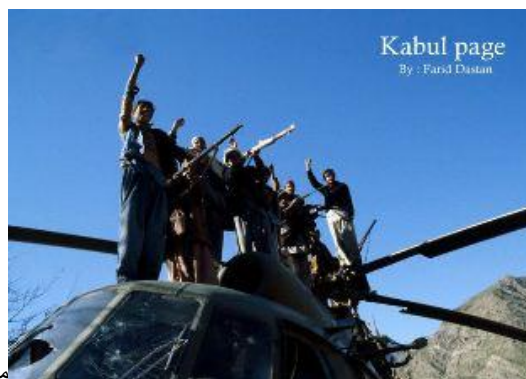
طغیان هرات همچنان دورجدیدی از مبارزه قدرت درونی را در رژیم افغان نمایان ساخت. برای فرونشاندن اتهامات عمل کرد ضعیف رهبریت نظامی، تره کی بلاخره مقام وزارت دفاع، این خواسته دیرین وطنجار را، برایش اعطا کرد.<sup>48</sup> برای استمالت امین، مقام صدراعظمی خود را برای او اهدا نموده، برای خودش (تنها) ردای رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک افغانستان را حفظ کرد. جا به جایی وطنجار برای در دست گرفتن وزارت دفاع یک نمایشی بهره بردارانه از آسیب پذیری امین در پیامد کاستی های ارتش بود. این کار خصومت و احساس تنفر شخصی ای را تشدید کرد که باعث ادامه ی دوام دار متغییر های معاندانه در طی حوادثی گردیدند که در افغانستان (آن زمان) در دست اجرا بودند.



حکمتیار با عده ای مجاهدین مربوط نقشه کابل را بررسی میکند

از نظر تحلیل گران استخباراتی ایالات متحده، جنگ و حوادث هرات افغانستان را به سرخط داغ موضوعات استخباراتی کشانید. از روی همه برآوردها و تخمینات، رژیم وابسته شوروی در کابل بطور پیوسته و یک نواخت میدان را به (نفع) شورشیان از دست میداد. علایم رو به افزایشی از این تعبیر و برداشت در بین مردم عادی افغان وجود داشت که مارکسیسم-بخصوص طوریکه از سوی رژیم تره کی- امین موعظه میگرددید- ضد اسلامی بود، عقیده بر این بود که این امر احتمالاً در به تحلیل بردن مورال ارتش افغان (مؤثر بوده) و ادامه خواهد داشت. سؤال استخباراتی این بود، که آیا مسکو سقوط یک رژیم کمونیست از سوی یک شورش اسلامی حمایت شده از پاکستان، این متحد ایالات متحده، را خواهد پذیرفت. برای جلوگیری از آن مسکو تا چه حد پیش خواهد رفت؟ آیا اتحاد جماهیر شوروی نیروهای رزمی خودش را برای این کار اختصاص خواهد داد؟

اندکی بعد از شورش در هرات، استخبارات فعالیت های غیرمعمول فرقه های موتوریزه ی (MRDs)<sup>49</sup> شوروی مستقر در محدوده حدود 10 کیلومتری سرحدات افغان، در آنچه که ناحیه نظامی ترکستان اتحاد جماهیر شوروی گفته می شد، را کشف نمودند. یکی از آنها فرقه تفنگ دارگادهای موتوریزه درگشکه بود، در نزدیکی راه عمده منتهی به هرات در افغانستان. اجزا و بخشهایی از این فرقه پادگان شان را ترک نموده و در ترکیب ستونهای تانک ها، لاری ها و نفربرها، به همراهی عناصر حمایوی، به سوی سرحد در حرکت بودند. فرقه فعال دیگر، یعنی فرقه 108-ام (MRD) در موقعیت ترمز در نزدیکی شاهراه عمده به سوی کابل، در حال جمع آوری و تنظیم کاروانها (ستونها/قطار) بود. ارزیابی های استخباراتی این فعالیت ها را به حیث تمرینات آموزشی تعبیری می کردند.<sup>50</sup>



مجاهدین بر روی هلی کوپتر تخریب شده

هردوی این فرقه های شامل یک کتگوری بوده، بطور نورمال در سطوح خیلی پایین نیروی بشری، از 10 درصد گرفته تا، در بیشترین حالات، 30 درصد قوت رزمی از جمله 12500 تن عساکر تجویز شده شان را در هر فرقه نگهداری می کردند. آموزشهای مشاهده شده برای این واحد ها بخصوص خیلی ها غیرمعمول بود، (زیرا) که در گذشته اساساً غیرفعال بودند؛ بعضی تحلیل گران استدلال می نمایند که این کار عملاً بی سابقه بود. هردوی فرقه ها واضحاً تزریق نفرات را دست کم از یک فرایند جلب کوتاه مدت احتیاط دریافت میداشتند، با اینکه چنان معلوم نمی شد که این فرقه ها در حالت قدرت رزمی کامل در آورده شده بودند. بنابراین، بعضی تحلیل گران (در جرو بحث های داخلی) استدلال می کردند در حالی که فعالیت های

مشاهده شده تنها می توانستند آمادگی برای رویداد های پیش بینی نا شده باشند، از این کار پیدا بود که رویداد های پیش بینی ناشده جدی گرفته شده بودند.<sup>51</sup>

چیز دیگر اینکه، آرایش واحد های (نظامی) کوچک شوروی نیز در نزدیکی سرحد افغان مشاهده شده بود. سطح عالی فعالیت ها و تحرکات نقلیاتی نیز در پادگانهای دو هنگ هواورد شوروی در عین ناحیه نظامی شوروی هم مرز با افغانستان کشف شده بود. در مجموع، در حالت قوت کامل، این نیروهای آماده شده می توانستند یک قوت دخالتی حدود 30000 تن عساکر رزمی را تشکیل بدهند.



عادت کردن مردم با دیدن صحنه های جنگ و سلاح

با اینکه این فعالیت ها حامل نشانه های آمادگی برای پیشامدهای غیر مترقبه تحرکی بداخل افغانستان بودند، ارزیابی های استخباراتی سی. آی. ای. نتیجه گیری می کردند که:

شورویها غالباً با بی میلی (بیزاری) خواستار دخیل ساختن تعداد زیادی نیروهای زمینی به درون افغانستان برای در قدرت نگهداشتن حکومت افغان هستند که عملاً حمایت همه لایه های مردم را از دست داده است. (با این کار) شوروی ها نه تنها اینکه خودشان را در یک باتلاق نا راحت کننده در افغانستان خواهند یافت، بلکه این عمل کرد می تواند روابط شان را با هند و - تا درجه کمی - با پاکستان صدمه برساند. به حیث بیشرینه گزینه، شوروی ها احتمالاً در تلاش دو باره برقراری روابط با آن اعضای اپوزیسیون افغان [پرچم] خواهند شد، یعنی آنانی که مسکو (با آنها) در گذشته وارد تعامل مفیدی بوده است.<sup>52</sup>

در کمتر از یک ماه بعد، یک هیئتی از "جنرالهای سیاسی" شوروی به کابل رسیدند. تحلیل گران استخباراتی گمان میکردند که مقصد این هیئات عبارت بود تا وضعیت سیاسی - نظامی و ظرفیت ها، بخصوص وفاداری اجزای ارتش در سرتاسر کشور را در روشنی شورش هرات ارزیابی نماید. گزارشات خاطر نشان می سازند که رئیس این هیئات - جنرال پیپی شیف، مدیر کل اداره سیاسی وزارت دفاع شوروی - به ندرت به بیرون (حتی) به متحدین اروپای شرقی - شوروی سفر می نمود. وقتی او در گذشته سفر هم میکرد، رژیم های درمخمسه ی کمونیست را بامصلحت اندیشی تقویت نموده و کمک های نظامی را پیشکش می نمود. اداره های استخباراتی ایالات متحده باخبر شدند که، به مجرد مواصلت به کابل، جنرال بییشف رهبران افغان را اخطار داد که کمک مسکو برای مقابله با شورشگری نا محدود نه بوده، و اینکه اکنون نوبت افغانهاست تا مؤثریت خود شان را ثابت نمایند. بعد از بازگشت به مسکو در یک هفته بعد، بییشف گفته بود که به مافوق هایش گزارش داده که "دیدگاه ضعیف آیدئولوژیک" (دیده شود) "تعهد ضعیف به داعیه کمونیستی" در بین افسران ارتش افغان یکی از معضلات مهم بود. شوروی ها متعاقباً مساعی آموزش دهی سیاسی شان را در هرودی ارتش افغان و در بین مردم در سطح فراگیر تسریع کردند.<sup>53</sup>



هلی کوپتر ها در حال عملیات نظامی

در ماه های می و جون، سطح شورشگری در شرق و شمال افغانستان به افزایش ادامه داده، و حوادث در نزدیکی کابل آغاز به وقوع کردند. (ازطرف دیگر) عمل کرد ارتش افغان به افولش ادامه داده، و مؤثریت واحدهای گوریلائی رو به افزایش بودند. تا به ماه جون 1979، مطابق تخمین ها از سوی سفارت امریکا، رژیم - بیشترین- تنها کنترل نیمی از کشور را در دست داشت.<sup>54</sup>

شوروی ها دربرابرین وضعیت بدتر شونده با انتقال تسلیحات به ارتش و نیروی هوائی افغان عکس العمل نشان داده، نه تنها تانک های اضافی، توپخانه و سلاح های سبک، بلکه همچنان طیارات جنگی، هلیکوپترهای توپ دار و ترانسپورتی تهیه کردند. طیارات ترانسپورتی نظامی شوروی کمک رسانی بطور منظم در داخل و بیرون میدان هوائی بگرام در نزدیکی شمال کابل فعالیت می کردند. طبق گزارشات دست کم 2500 تن مشاورین نظامی شوروی، در کنار چیزی حدود 2000 تن مشاورین ملکی تا به ختم ماه جون در افغانستان موجود بودند. گزارشاتی وجود داشتند که مشاورین نظامی اضافی درچوکات واحد های افغان مؤظف شده بودند که درجنگ دخیل بودند، و اینکه یک تعداد پرسونل نظامی شوروی پیلوتی هلی کوپترها را درحملات زمینی در دست داشته و تانک ها را در جنگ رانندگی می کردند.<sup>55</sup>

فرسایش/تباهی دوام دارسلطه رژیم افغان یک جا با دخالت رو به افزایش شوروی، تحلیل گران استخباراتی را برآن داشت تا باردیگر فاکتورهای رامورد بررسی قرار بدهند که احتمالاً منجر به دخالت نظامی تمام و کمال شوروی می گردید. یک احتمال ایجاد شده عبارت از آن بود که شوروی احتمالاً(وقتی) درچنان مسیری خواهند رفت که اگر متیقن شوند که سقوط رژیم افغان توسط شورشیان منجر به ایجاد حلقه ای از دولت های ستیزه جوی اسلامی در سرحدات جنوبی اتحاد شوروی شود و بتواند ثبات را در جمهوری های آسیای میانه تهدید نماید. تعدادی از تحلیل گران همچنان خاطر نشان می کردند که از دست دادن افغانستان، بعد ازیک تعهد مهم شوروی، به حیث یک ضربه ای به پرستیژ- اعتبارو تصویرخیلی عالی(غلو) ارزشیابی شده توسط رهبری شوروی خواهد بود.

هرچند، با درنظرگرفتن همه جوانب، ارزیابی های استخباراتی در آن زمان به توضیح و تشریح استقرار نیروهای رزمی شوروی(در افغانستان) را همچون یک امر غیرمحمتمل ادامه میدادند، ولی آن را مردود نمی دانستند. مهم ترین عواملی که به حیث اثرگذار علیه آن مشاهده می شدند شامل هردوی عوامل نظامی و سیاسی بودند. مطابق ارزیابی های استخباراتی، کوهستانی بودن سرزمین و محدودیت - و آسیب پذیری- مسیرهای زمینی در افغانستان مشکلات مقابله با نیروهای گوریلائی را تشدید میکردند. مسکو همچنان درپذیرش قیمت گزاف سیاسی کنارگذاشتن دورنماهای تصویب پیمان تحدید سلاح های SALT-II بی میل معلوم می شد. برعلاوه، اشغال افغانستان برای دامن زدن واکنش شدید درسایرکشورهای اسلامی حتمی خواهد بود. درهم آهنگی با این داورى، واسیلی سفرانچوک، یک مشاور ارشد سیاسی شوروی درکابل، به مسئول(chargé) ایالات متحده به تاریخ 24 جون گفت که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هیچ قصدی برای فرستادن عساکر جنگی به افغانستان ندارد. او به زینهای چنین حرکت در رابطه با پیمان SALT-II وموقعیت جهانی اتحاد جماهیر شوروی انگشت گذاشت.<sup>56</sup>

----

ختم قسمت 4- (ادامه دارد)